

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و اجتماعی

مجید محمدلو*

DOI: 10.22096/rc.2024.2001740.1113

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱]

چکیده

با وقوع انقلاب اسلامی و تحول در ساختار سیاسی کشور، دانش فقه و رویکرد استنباطی آن مبتنی بر تفکر پیوند دین و سیاست، نقش اساسی در حکمرانی و حکومت‌داری بر پایه دین به خود می‌گیرد و مطابقت با شریعت، اصل کلی و حاکم بر جمیع شئون حاکمیتی و اجتماعی کشور (قوانین، آیین‌نامه‌ها، هنجارها و ...) می‌شود. با این حال مرور تجربه چهار دهه اخیر تعامل فقه با عرصه‌های سیاست و اجتماع بیانگر ظهور روندی است که حکایت از شکاف و فاصله‌گرفتن سیاست و اجتماع از احکام و آموزه‌های فقهی دارد. با بهره‌گیری از روش روندپژوهی و با تأمل در پیمایش‌ها و یافته‌های آماری چند دهه اخیر، چنین استنباط می‌شود که افول موقعیت و کاهش نفوذ اجتماعی نهاد روحانیت، تغییر نگرش در تلقی از دین و دین‌داری و تحول در ترجیحات ارزشی و نگرشی جامعه به‌عنوان شواهد و نشانه‌های ظهور این روند هستند. بروز ناکارآمدی‌ها، جریان روشنفکری و سیاسی ناهمسو با قرائت رسمی از دیانت و فقه، تغییر و تحول در ایده مشروعیت سیاسی و روند جهانی شدن و مواجهه با دنیای مدرن مهم‌ترین علل و عواملی هستند که در ایجاد چنین روندی مؤثر هستند. عرف‌گرایی در حکمرانی، انزوای ارزش‌ها و هنجارهای دینی در ساحت سیاست و اجتماع، رواج تساهل اجتماعی، خودمرجعی دینی و ظهور جریان‌ها و گروه‌های مدعی دین با رویکردهای غیررسمی و انحرافی از جمله پیامدهای تدریجی گسترش چنین روندی هستند.

واژگان کلیدی: روندپژوهی؛ شریعت و فقه؛ جامعه و سیاست؛ عرفی‌شدن؛ تساهل اجتماعی.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران.

Email: m.mohammadlu73@gmail.com



۱. مقدمه

ابتنای جمهوری اسلامی بر ایده ولایت فقیه و تشکیل و سامان‌دهی آن بر اساس اصول و ضوابط اسلامی، نشان‌دهنده اهمیت شریعت و تفکر فقهی در اداره آن است. از همان ابتدای انقلاب حضور دیانت و فقاہت در متن حاکمیت و تنظیم قواعد و مقررات حاکمیتی مبتنی بر آن، به‌عنوان اصل کلی و مسلم قانون اساسی لحاظ گردید؛ به‌طوری‌که مطابق اصل چهارم قانون اساسی، مشروعیت کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها بر اساس و در چهارچوب موازین اسلامی تعریف شد و اطلاق یا عموم این اصل بر همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم گردید و تصدی و تشخیص این مهم به مجمع فقهی (فقه‌های شورای نگهبان) واگذار شد. این در مرحله پیشینی تقنین و قبل از تبدیل مصوبات، لوایح و طرح‌ها به قوانین و آیین‌نامه‌های رسمی کشوری است؛ اما این اصل در مرحله پسینی (پس از ابلاغ قوانین) نیز حاکم بوده، به‌طوری‌که مطابق نظر تفسیری شماره ۱۹۸۳ مورخه ۱۳۶۰/۲/۸ شورای نگهبان درباره اصل مذکور «قوانین و مقرراتی که در مراجع قضایی اجرا می‌گردد و شورای عالی قضایی [متکفل انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه] آنها را مخالف موازین اسلامی می‌داند، [باید] جهت بررسی و تشخیص مطابقت یا مخالفت با موازین اسلامی برای فقه‌های شورای نگهبان ارسال» کند. از طرف دیگر بسیاری از قیود، مشخصات، صلاحیت‌ها و ویژگی‌های دیگر در قوانین انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی شهر یا روستا، انتصابات اعضای مجامع حاکمیتی در قانون اساسی و قوانین عادی و قوانین اداری استخدامی و ... ذکر شده است که عمدتاً بر پایه مؤلفه‌های فقهی بوده یا به‌طور مستقیم برآمده از فقه هستند؛ در دهه اخیر نیز نوع مواجهه با مسئله اسلامی‌سازی علوم و سعی در تأسیس نظامات اقتصادی و سیاسی اسلامی، شهرسازی و معماری اسلامی و ... عمدتاً با رویکرد و روش‌شناسی استنباط فقهی صورت پذیرفته است؛ بنابراین رویکرد اسلام فقاہتی بنیاد و هسته سخت جمهوری اسلامی را تشکیل داده و از قلمرو و گستره حداکثری در آن برخوردار است. چنین پیوندی بین فقه، سیاست و اجتماع وضعیتی متفاوت برای جمهوری اسلامی در رفتار و شیوه حکومت‌داری رقم زده و گفتمان حجیت (انطباق یا عدم انطباق با شریعت) مبنای رفتار و ملاک و معیار ارزیابی آن شده است. چنین ظهور و نمود دیانت و شریعت در اداره حکومت و تنظیم قواعد و مقررات ناظر به آن، بیشتر با

۱. محمد فتحی و کاظم کوهی اصفهانی، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*؛ به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان (تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷)، ۶۵.

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۴۹

خوانش فقه سنتی و فردی بوده و فقها و سایر متخصصان در این حوزه بیشتر مبتنی بر مؤلفه‌ها و قواعد فقه سنتی به تعیین تکلیف موضوعات و مسائل حاکمیتی، سیاسی و اجتماعی می‌پردازند. با این حال بروز چالش‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی منجر به ظهور روندی شده است که نشان از عرفی شدن فقه در عرصه سیاسی (غیرنهادی) و اجتماعی (عمومی) دارد؛ افول موقعیت و کاهش نفوذ اجتماعی نهاد روحانیت، تغییر نگرش در تلقی از دین و دین‌داری و تحول در ترجیحات ارزشی و نگرشی جامعه مهم‌ترین نشانه‌ها و شواهد این روند هستند. بروز ناکارآمدی‌ها در دولت دینی و نهاد دین، جریان روشنفکری و سیاسی ناهمسو با قرائت رسمی از شریعت و روند جهانی شدن و مواجهه با مظاهر دنیای مدرن نیز مهم‌ترین علل ظهور این روندی هستند. برخی از این علل نظری و گفتمانی، برخی سیاسی و برخی اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و مربوط به لایه‌های سطحی زندگی اجتماعی مردم است. این نوشتار مبتنی بر روند پژوهی، تحلیل داده‌ها و آمارهای انجام‌گرفته در این زمینه است و روش گردآوری اسنادی و کتابخانه‌ای درصدد بررسی این روند در قالب سه مقوله شواهد، علل و عوامل و پیامدها است.

۲. مبانی نظری

آینده‌پژوهی؛ مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده است.^۲ لذا آینده‌پژوهی ارزش‌بنیان بوده و کاملاً مبتنی بر ارزش‌ها، گفتمان‌ها و باورهای یک جامعه است.^۳ آینده‌پژوهی حوزه میان‌رشته‌ای است که تحولات حال و گذشته را با هدف تخمین منطقی و هدفمند اتفاقات و حوادث آینده بر اساس فهم و ترسیم آینده‌های محتمل مطالعه می‌کند.^۴

روندپژوهی؛ یکی از روش‌های پرکاربرد در مطالعات آینده‌پژوهانه است که از آن برای پیش‌بینی، برنامه‌ریزی احتمالی، تجزیه و تحلیل امکان‌سنجی، برنامه‌ریزی راهبردی و سناریونویسی استفاده می‌شود؛ روندپژوهی داده‌های خام و پردازش‌شده را دریافت می‌کند و با استنباط روابط بین آنها به حجم انبوه داده‌ها نظم، معنا و جهت می‌دهد. بنابراین روند به‌دست‌آمده الگویی ذهنی (نه عینی) از روابط بین رویدادها است که جهت‌گیری آینده را نشان می‌دهد؛ لذا حتی اگر رویدادها عینی یا برخاسته از پدیده‌های عینی باشند، روندها

2. Sohail Inayatullah, *Questioning the Future* (Taiwan: Tamkang University, 2007), 6.

۳. عبدالرحیم پدرام و مهدی احمدیان، *آموزدها و آزموده‌های آینده‌پژوهی* (تهران: مؤسسه افق آینده‌پژوهی، ۱۳۹۴)، ۱۶.

۴. رضا سلیمانی، «روندپژوهی راهبرد جنگ روانی و تهدید نظامی اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای ایران (از افشای برنامه تا پایان مذاکرات برجام)»، *فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، شماره ۱۰ (۱۴۰۰): ۱۰۲.

ذهنی و استنباطی هستند.^۵ روندها بر اساس این پیش فرض که تغییرات در جهان دارای پیوستگی تاریخی است تدوین و استنباط می شوند.^۶ روندها الگوهای تغییر در مسائل و امور پراهمیت از دید پژوهشگر هستند که در طول زمان به وقوع می پیوندند.^۷

اساس این روش بر آن است که «آینده» به یکباره اتفاق نمی افتد و از زمان حال نشانه‌هایی دال بر پیش‌بینی برخی تحولات محتمل قابل مشاهده است.^۸ لذا روند از گذشته آغاز و تا آینده ادامه می‌یابد. جنبه پراهمیت روندها، فراگیر بودن آنهاست که به تغییرات اجتماعی منجر می‌شوند. نکته جالب درباره روندها این است که معمولاً سیاست‌گذاران، سازمان‌ها و حتی حکومت‌ها نمی‌توانند در آنها تغییری ایجاد کنند؛ چراکه آنها بزرگ‌تر از قدرت سازمان‌ها و حکومت‌ها هستند.^۹ هدف اصلی روندپژوهی، مانند روش‌های دیگر آینده‌پژوهی، ارائه تجویزهای آینده‌ساز است که می‌توان برای پیش‌بینی، برنامه‌ریزی‌های احتمالی، تحلیل گزینه‌های سیاسی، برنامه‌ریزی استراتژیک و سناریو نویسی استفاده کرد.^{۱۰}

مهم‌ترین گام‌های روندپژوهی عبارت‌اند از: گام اول؛ شناسایی، تکمیل و نقد منابع دانشی؛ این منابع شامل مقالات علمی، کتاب‌ها، همایش‌ها، آمارهای رسمی نهادهای دولتی و بین‌المللی و بسیاری از داده‌های فضای سایبری می‌شود.^{۱۱}

گام دوم: تبیین روندهای بالادستی؛ استنباط روندهای ناظر بر مسئله پژوهش (روندهای اصلی)، محور روندپژوهی هستند، اما بعضی روندهای کلان نیز وجود دارند که به واسطه روابط علی بر مسئله اصلی تأثیر می‌گذارند که به روندهای بالادستی معروف هستند که باید پیامد آنها بر روندهای اصلی بررسی شود. روندهای بالادستی اساساً از بررسی رویدادها و تحلیل آنها استنباط نمی‌شود، بلکه با کار کتابخانه‌ای و مراجعه به پژوهش‌های دیگر شناسایی و انتخاب می‌شود.^{۱۲}

۵. حسین‌خانی، «نوسلفی‌گری و روندپژوهی تهدیدهای امنیت منطقه‌ای ایران»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۴ (۱۳۹۷): ۹۳۱.
۶. فرشته میرحسینی، محمدرحیم عیوضی، و عباس کشاورز شکرکی، «روندپژوهی خطرات ژئوپلیتیکی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۱۴۰۴»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۶۳ (۱۳۹۹): ۹.
۷. محمد واعظی‌نژاد، «آینده‌پژوهی و روش‌های آن»، (سایت پژوهشکده باقرالعلوم، مرداد ۱۳۹۶). دسترسی: <http://pajoohi.ir/%D8%A2>
۸. سلیمانی، «روندپژوهی راهبرد جنگ روانی و تهدید نظامی اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای ایران (از افشای برنامه تا پایان مذاکرات برجام)»، ۱۰۲.
۹. سید جواد شریف شیخ‌الاسلامی، فرهاد نظری‌زاده، و احمد گائینی، «تحلیل روندها و پیش‌ران‌های مؤثر بر شبکه‌های اجتماعی آینده»، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، شماره ۲۷ (۱۴۰۰): ۳۷۰.
۱۰. علی اصغر عباسی، حسام ساکن، و محسن بهرامی، «تحلیل تأثیر روند در آینده‌پژوهی»، *سومین همایش ملی آینده‌پژوهی* (۱۳۹۳): ۱.
۱۱. پدram و احمدیان، *آموزه‌ها و آرموده‌های آینده‌پژوهی*، ۱۱۴.
۱۲. پدram و احمدیان، *آموزه‌ها و آرموده‌های آینده‌پژوهی*، ۱۱۷-۱۱۵.

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۵۱

گام سوم: استنباط روندهای اصلی از رویدادها؛ در این گام اطلاعات تاریخی اهمیت فراوانی دارند. برای این کار باید به آمارهای مرتبط و رویدادهای مهم ناظر بر مسئله مراجعه و فهرستی از آنها تهیه شود و تغییرات تدریجی در ویژگی‌ها و خصوصیات مسئله به دقت بررسی گردد.

گام چهارم: سامان‌دهی اطلاعات و تدوین فهرست اولیه روندهای اصلی؛ عنوان استنباطی روند باید جامع محتوای آن باشد. عدم تضاد، هم‌پوشانی یا تکرار روندها بررسی می‌گردد و در نهایت گفت‌وگوی انتقادی برای غنای بیشتر فهرست روندها صورت می‌گیرد.^{۱۳} گام پنجم توصیف روندهای اصلی و بررسی رابطه بین روندها است. در این گام هم روندها توصیف می‌شود و هم ارتباط بین آنها موضوع بررسی قرار می‌گیرد. در واقع وابستگی متقابل پدیده‌ها در جهان، ما را به دیدگاهی کل‌نگر و رویکردی فرارشته‌ای هم در سازماندهی دانش موردنیاز و هم برای اقدام اجتماعی فرامی‌خواند.^{۱۴}

گام ششم بررسی پیامدهای هر یک از روندهای اصلی است. در نهایت گام هفتم نیز گمانه‌زنی درباره آینده، دورنماسازی و ارزیابی پایانی است. مطالعه هر روند و پیامدهای آن تصویری جزئی از آینده به دست می‌دهد.

مبتنی بر این چهارچوب نظری سعی بر این است که ابتدا بر اساس داده‌های آماری و نظری در حوزه تعاملات فقه با سیاست و اجتماع، روند اصلی حاکم بر این حوزه استنباط شود، سپس علل و عوامل تشدیدکننده روند ذکر و تفصیل داده شده و در نهایت پیامدهای این روند بر جامعه هدف بررسی شود.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش در نوشتار حاضر تحلیل داده‌ها و اطلاعات برآمده از پیمایش‌ها به صورت اسنادی و تحلیلی-توصیفی است. بر این اساس در ارائه و تبیین روند از اسناد و پیمایش‌های معتبر مرتبط با روند استفاده شده است. برخی از این داده‌ها (اعم از شواهد و علل) اطلاعات کمی و برخی کیفی و مبتنی بر دیدگاه‌های نظری و نخبگانی هستند.

۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از این است که باوجود سعی وافری که از جانب حاکمیت بر

۱۳. پدram و احمدیان، آموزه‌ها و آموزه‌های آینده‌پژوهی، ۱۱۹-۱۲۰.

۱۴. مهدی احمدیان و محمد مهدی ذوالفقارزاده، درآمدی بر آینده‌پژوهی قرآنی؛ باورهای بنیادین، الگوهای رفتاری و رهنمودهای پژوهشی (تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۸)، ۴۰.

منطبق‌سازی حقوق و قوانین، آیین‌نامه‌ها، ساختارها، نظامات، نهادها، عزل‌ها، انتصابات و ... با شریعت و فقه اسلامی در حوزه‌های متعدد سیاسی، تقنینی، اقتصادی، اداری، تشکیلاتی و ... صورت می‌گیرد و این مهم به‌مثابه امر حاکمیتی و دارای اولویت تلقی می‌شود، با این حال در مقام عمل و ساحت ذهنیت اجتماعی و اندیشه‌نخبگانی، تعامل فقه موجود با عرصه سیاسی و اجتماعی، نمایانگر وضعیتی است که به تدریج میل به شکاف و فاصله‌گرفتن این حوزه‌ها از احکام و آموزه‌های فقهی دارد که به دلیل برخی انگیزه‌ها و عوامل و رخداد برخی وقایع رویکرد دینی و فقهی موجود را برای اداره حاکمیت ناکافی یا حتی ناکارآمد می‌داند؛ به همین دلیل به‌مرور شاهد شکل‌گیری تفکری مبنی بر جدایی حوزه دیانت و فقاقت از عرصه سیاسی (غیرنهادی) و اجتماعی (عمومی) هستیم که قائل است این دو حوزه با همدیگر هم‌افزایی نداشته و در روندی کاهنده با هم به سر می‌برند که نتیجه این وضعیت رواج عرف‌گرایی، عقلانیت معطوف به عمل و فایده در دیانت و تساهل و تغافل اجتماعی است.

۱-۴- شواهد

مهم‌ترین شواهدی که دلالت بر این روند می‌کنند عبارت‌اند از:

۱-۱-۴- افول موقعیت و کاهش نفوذ اجتماعی و محبوبیت نهاد روحانیت

منزلت و نقش‌آفرینی روحانیت در تاریخ سیاسی-اجتماعی ایران، به‌ویژه در دوره معاصر، بر کسی پوشیده نبوده و این برخاسته از «نفوذ اجتماعی» این نهاد است که توانست نقاط عطف مهمی همچون نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، قیام پانزده خرداد و انقلاب اسلامی را در تاریخ معاصر ایران رقم بزند؛ با این حال نتایج برآمده از برخی تحقیقات و آمارها، دیدگاه نخبگان و برخی شواهد عینی گواه بر این است که طی چند دهه اخیر این میزان نفوذ اجتماعی و محبوبیت روحانیت رو به کاستی بوده است. از آنجا که روحانیت نماد و مظهر دین، تفقه و اندیشه فقهی محسوب می‌شوند، ظهور چنین پدیده‌ای یکی از نشانه‌های شکاف و فاصله‌گرفتن عرصه سیاست و اجتماع از احکام و آموزه‌های فقهی است. در پیمایش سال ۱۳۸۰، ۴۷/۴ درصد جامعه آماری قائل بودند که روحانیت همچنان منزلت خود را در میان مردم حفظ کرده و ۵۶/۲ درصد معتقد بودند بعد از انقلاب روحانیت از مردم فاصله گرفته است. سؤالات و نتایج به‌دست آمده از آن در پیمایش مذکور به شرح زیر است:^{۱۵}

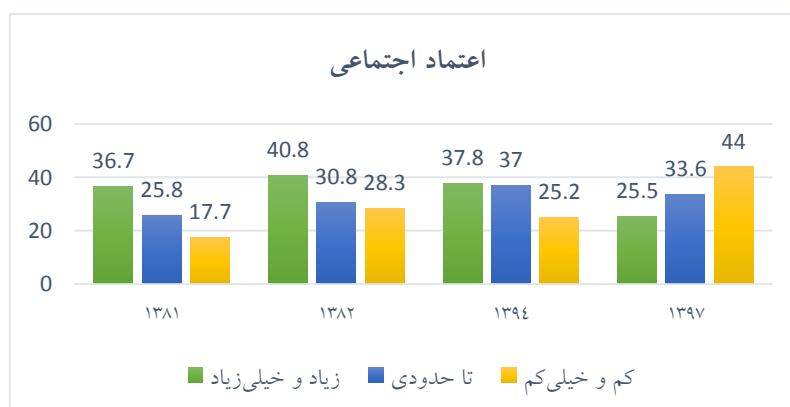
۱۵. سازمان ملی جوانان، وضعیت و نگرش جوانان ایرانی (تهران: نسل سوم، ۱۳۸۰)، ۶۹.

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۵۳

سؤال	درصد کل موافقین	درصد کل مخالفین
روحانیان برای جوانان حرف جدیدی برای گفتن ندارند.	۶۴.۹	۳۵.۱
روحانیان منزلت گذشته خود را همچنان در بین مردم حفظ کرده‌اند.	۴۷.۴	۵۲.۶
روحانیان شایستگی خود را در انجام مسئولیت‌های محوله اثبات کرده‌اند.	۵۱.۱	۴۸.۹
بعد از انقلاب، روحانیان از مردم فاصله گرفته‌اند.	۵۶.۱	۴۳.۹

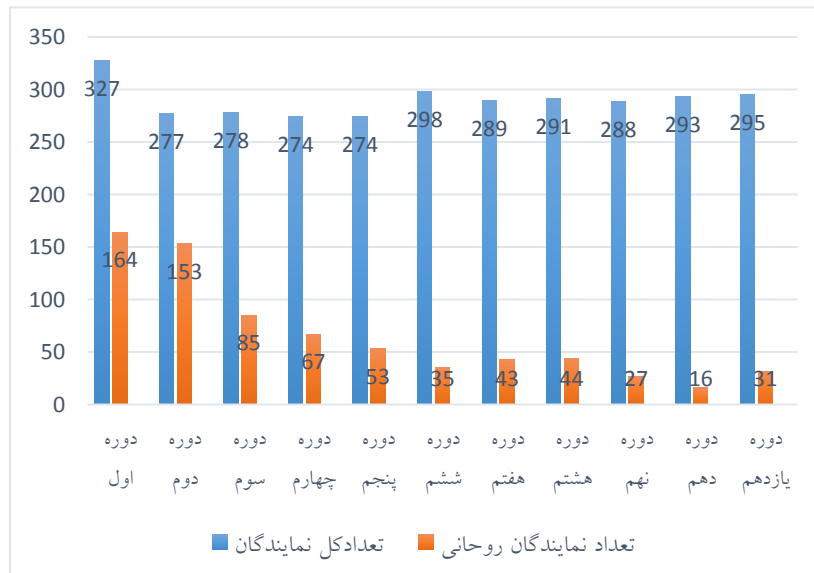
مطابق پیمایش دیگر در سال ۱۳۸۹ میزان موفقیت حوزه‌های علمیه از نظر جوانان ۳۴.۷ درصد بوده و ۳۱.۸ درصد میزان موفقیت آن را متوسط برآورد کرده و ۳۳.۶ درصد حوزه‌های علمیه را ناموفق دانسته بودند.^{۱۶}

در مقوله اعتماد اجتماعی، مطابق پیمایش صورت گرفته در سال ۱۳۸۲، جامعه روحانیت دارای آمار ۴۰.۸ درصدی جلب اعتماد عمومی بوده و بعد از گروه‌هایی مانند معلمان (۷۷٪)، اساتید (۷۰٪)، پزشکان (۵۶٪)، نیروی انتظامی (۵۳٪) و ارتش (۵۶٪) قرار داشته است^{۱۷} که در ادامه این میزان پایین‌تر نیز آمده است. نمودار تغییرات اعتماد اجتماعی نسبت به جامعه روحانیت در دو دهه اخیر به قرار زیر است:



۱۶. معاونت مطالعات و تحقیقات، وضعیت و نگرش جوانان ایرانی، جلد ۴ (تهران: سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۹)، ۱۸۲.
 ۱۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم (تهران: دفتر انتشارات طرح‌های ملی، ۱۳۸۲)، ۲۶۷.

با این حال شاید بررسی نمودار ترکیب اعضای مجلس شورای اسلامی به دلیل گستردگی و شفافیت بیشتر، مهم‌ترین جلوه تحولات بین رابطه عرصه سیاست و اجتماع با فقه و رویکرد فقهی در حکومت‌داری و تغییرات اقبال عمومی و واکنش مردم به آن است. طبق آمار تعداد نمایندگان روحانی که در مجلس اول شورای اسلامی حاضر بودند ۱۶۴ نفر از کل ۳۲۷ نفر نماینده را تشکیل می‌داد که این رقم در دوره‌های دوم تا یازدهم مجلس به ترتیب ۱۵۳ از میان ۲۷۷ نفر، ۸۵ از میان ۲۷۸ نفر، ۶۷ از میان ۲۷۴ نفر، ۵۳ از میان ۲۷۴ نفر، ۳۵ از میان ۲۹۸ نفر، ۴۳ از میان ۲۸۹ نفر، ۴۴ از میان ۲۹۱ نفر و ۲۷ از میان ۲۸۸ نفر، ۱۶ از میان ۲۹۳ نفر و ۳۱ از میان ۲۹۵ است؛ به طوری که از فراوانی حدود ۵۰ درصدی به ۱۰ درصد تنزل پیدا کرده است؛ نمودار (۲) - تعداد نمایندگان روحانی دوره‌های اول تا یازدهم مجلس شورای اسلامی



از نظر نخبگان حوزه و دانشگاه نیز بین روحانیت و مردم شکاف حاصل شده و از نفوذ و مرجعیت این نهاد در میان مردم کاسته شده است؛ در همین راستا آیت‌الله شبیری زنجانی مسئله کم‌رنگ شدن دانش و محبوبیت مردمی طلبه‌ها و عدم پاسخگویی به نیاز جامعه در فقه اجتماعی را مطرح می‌کند؛^{۱۸} به باور آیت‌الله اعرافی نیز «روحانیت نقش مرجعیت عمومی که

۱۸. سید موسی شبیری زنجانی، «ورود طلاب به فعالیت‌های سیاسی یکی از عوامل مهم کم‌شدن محبوبیت آنان است» (سایت انتخاب، ۱۸ آذر ۱۳۹۷). دسترسی:

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۵۵

در سابق داشته است را از دست داده است و عمق و نفوذ جریان‌های غیرالهی و غیرارزشی افزایش داشته است و روبه‌پیشرفت است و مبلغان در این زمینه‌ها با انبوهی از موانع مواجه هستند.^{۱۹} بسیاری از اساتید و کارشناسان حوزه جامعه‌شناسی نیز بر وجود شکاف بین مردم و روحانیت صحنه گذاشته و عللی مانند کاهش اهتمام دینی مردم و تغییر در نوع دین‌داری، فقدان روحانیت از تجربه لازم در موقعیت قدرت و نقصان در عملکرد مورد انتظار،^{۲۰} پذیرش مسئولیت‌های دولتی و فاصله‌گیری روحانیت از مردم،^{۲۱} روی‌گردانی از اقتدار معنوی به اقتدار اداری و قضایی،^{۲۲} مجری‌شدن روحانیت،^{۲۳} از دست دادن مرجعیت خود به دلیل عدم موفقیت‌ها در عرصه اجرا، عدم توانایی در ارائه راهکار و ورود به حوزه‌های غیرتخصصی^{۲۴} را برای این مسئله برشمرده‌اند. در نهایت شواهد عینی دیگری مانند سوءرفتارها با روحانیون، آمار مشارکت در نمازهای جماعت و مساجد ... مطلب سوم در زمینه کاهش محبوبیت و نفوذ روحانیت در جامعه ایرانی است.

۲-۱-۴- تغییر نگرش در تلقی از دین و دین‌داری

پیمایش‌های صورت‌گرفته درباره شاخص دین‌داری در جامعه ایرانی حاکی از این است که در موضوع دین و گرایش دینی با پدیده‌ای چندوجهی روبه‌رو هستیم؛ پیمایش‌های صورت‌گرفته از سال ۱۳۵۳ الی ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که در حوزه اعتقادات اصلی دین (اعتقاد به خداوند، پیامبر، معاد، حقانیت قرآن ...) تفاوت محسوس و معناداری در دین‌داری مردم به وجود نیامده است؛ به‌طوری‌که با شاخص بالای ۹۰ درصد شاهد بیشترین ثبات در این زمینه هستیم؛ در حوزه تجربه

۱۹. علیرضا اعرافی، «موانع رویاروی تبلیغ دینی در عصر جدید از نگاه آیت‌الله اعرافی» (خبر آنلاین، ۷ مهر ۱۳۹۵)، دسترسی:

<https://www.khabaronline.ir/news/584046/>

۲۰. علیرضا شجاعی‌زند، «کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت در ایران» الگوی برای بررسی، «شبه‌شناسی»، شماره ۳۸ (تابستان ۱۳۹۱): ۱۰۱.

۲۱. قاسم احمدی، «فرازوفرو پایگاه مردمی روحانیت در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر کریم خان‌محمدی» (مباحثات، ۲۹ آذر ۱۳۹۶). دسترسی: <https://mobaheasat.ir/15524>

۲۲. سید حامد حسینیان، مسعود کیانپور، و علی ربانی خوراسگانی، «توصیف کیفی فراگرد ارتباط مردم و روحانیت در تبلیغ دین: نگرشی آسیب‌شناسانه از منظر روحانیون مبلغ‌نخبه»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۳ (۱۳۹۸): ۶۶.

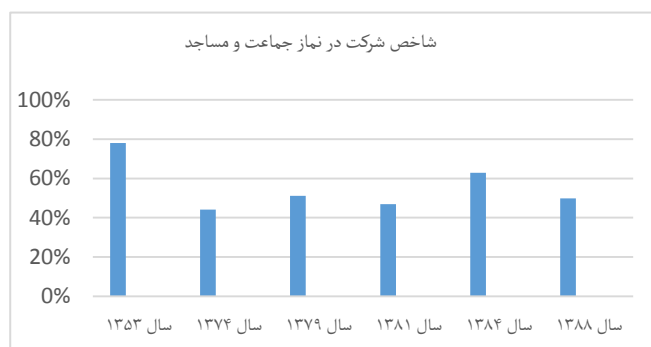
۲۳. اکبر محمدی، «پافشاری روحانیت بر مناصب قدرت، باعث کاهش محبوبیت این نهاد شده است» (مباحثات، ۲۶ آذر ۱۳۹۶). دسترسی:

<https://mobaheasat.ir/15476>

۲۴. محمد حیدرپور، «آیا محبوبیت روحانیون در جامعه کاهش یافته؟!» (شفقتنا، ۲۰ آذر ۱۳۹۶). دسترسی: <https://fa.shafaqna.com/?p=496991>

دینی (ارتباط شخصی با خداوند) نیز این میزان نه تنها کاهش نیافته بلکه شاهد افزایش رویکرد تجربه دینی هستیم؛ به طوری که در بازه ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۵ این میزان از ۶۳ درصد به ۷۵ درصد افزایش یافته است؛^{۲۵} اما در بُعد رفتار و ظواهر دینی در حوزه‌های فردی (مانند نماز، روزه، حجاب، منع شرب خمر، منع قمار، منع موسیقی حرام طبق قرائت رسمی ...) شاهد کاهش آمار در این زمینه هستیم؛^{۲۶} برای نمونه آمار روزه‌داری در تهران در سال‌های ۱۳۹۴، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب از ۵۵ به ۴۱ و ۴۰ درصد کاهش یافته یا «گوش دادن به موسیقی دلخواه فارغ از اینکه خواننده آن زن باشد یا مرد»، از ۵۴ درصد در سال ۱۳۸۸ به ۷۰ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است.^{۲۷} وضعیت آماری در عبادت‌ها و مناسک اجتماعی سیاسی مانند حضور در مساجد، نماز جماعت و نماز جمعه نامناسب‌تر از عبادات فردی است.^{۲۸}

نمودار (۳) - شاخص شرکت در نماز جماعت و مساجد



هم‌چنین میانگین آمار شرکت در نماز جمعه نیز در بازه سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۵ رقمی پایین‌تر از آمار فوق را نشان می‌دهد.^{۲۹} نکته شایان توجه در مورد مناسک اجتماعی، افزایش محسوس تمایل مردم به شرکت در مجالس شب‌های قدر، عزاداری و روضه‌خوانی و زیارت

۲۵. مهدی رفیعی بهابادی، «شاخص‌های دین‌داری جامعه ایران به کدام سمت‌وسو می‌رود؟» (ایسپا، ۳۱ شهریور ۱۳۹۹). دسترسی:

<http://www.ispa.ir/Default/Details/fa/2241/>

۲۶. محمدرضا طالبان و مهدی رفیعی بهابادی، «تحولات دین‌داری بر اساس تفاوت‌های نسلی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)»، *مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۲ (۱۳۸۹): ۱۰۶-۱۰۸.

۲۷. رفیعی بهابادی، «شاخص‌های دین‌داری جامعه ایران به کدام سمت‌وسو می‌رود؟».

۲۸. طالبان و رفیعی بهابادی، «تحولات دین‌داری بر اساس تفاوت‌های نسلی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)»، ۱۶.

۲۹. مهدی رفیعی بهابادی، «اعتقاد بیش از ۹۰ درصد مردم ایران به توحید و معاد» (ایسپا، ۳۰ تیر ۱۳۹۸). دسترسی:

<http://www.ispa.ir/Default/Details/fa/2096/>

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۵۷

اماکن مقدسه است؛ به طوری که در دو دهه اخیر ۷۵ درصد مردم اکثر اوقات یا گاهی این اعمال را انجام داده‌اند.^{۳۰} این وضعیت چنین تلقی را ایجاد می‌کند که اولاً با اینکه دین همچنان به‌عنوان عنصری اثرگذار و تعیین‌کننده در زندگی افراد حاضر است، گرایش مردم به جنبه اعتقادی دین بر جنبه‌های عملی و رفتاری آن غلبه داشته و دین‌داری به‌مرور به ساحت شخصی، اعتقادی و ذهنی افراد تقلیل پیدا می‌کند (دین‌داری معنایی غیر از تقید به احکام فقهی پیدا می‌کند)؛ ثانیاً، گرایش به دین‌ورزی احساسی همراه با تحریک عواطف، گریه و زاری، مولودی‌خوانی و حس التذاذ معنوی رو به گسترش بوده و با مباحث اخلاقی، فقهی و عقلی-تحلیلی مرسوم فاصله دارد؛ ثالثاً، گزاره‌ها و دستورات دینی که جلوه‌های اجتماعی و سیاسی (مانند نماز جمعه، مسئله حجاب، ...) دارند کمتر مورد توجه آحاد جامعه قرار می‌گیرد، به‌ویژه اینکه در برخی موارد چنین فعل و ترک فعل‌ها، بار معنایی کنشگری مخالف با گفتمان دینی حاکم (رویکرد فقهی) را نیز به همراه خود دارد. چنین رخدادهایی نشان از این دارد که رابطه فقه و رویکرد تجویزی شریعت محور با صحنه اجتماعی به‌مرور گسسته شده و شاهد ظهور نمودهای دیگری از دین‌داری (مانند دین‌داری احساسی، خود مرجع، عرفانی، نیت پاک ...) به‌عنوان بدیل و جایگزین رویکرد رسمی حاکم هستیم.^{۳۱} بنابراین نوع تجویزات و بایدونبایدهای فقهی موجود با نیازهای معنوی جامعه ناهمگن بوده و به‌مرور از آن فاصله می‌گیرد.

۳-۱-۴- تحول در ترجیحات ارزشی و نگرشی جامعه

مقایسه و نسبت‌سنجی ترجیحات ارزشی جامعه با ارزش‌های فقهی، شاهد دیگری بر روند شکاف و فاصله گرفتن دیدگاه‌های اجتماعی از احکام و آموزه‌های فقهی است. نوع دیدگاه عمومی به تعامل دین و سیاست، آرمان‌های سیاسی، فرهنگ غربی، مسئله حجاب، اشتغال زنان، حضور زنان در ورزشگاه‌ها، معاشرت قبل از ازدواج و فرزندآوری نمونه‌ای از مسائل و موضوعاتی هستند که شاهد شکاف بین ذهنیت اجتماعی و رویکرد فقهی در این موارد هستیم. مطابق پیمایش صورت گرفته در سال ۱۳۸۲، ۵۳.۵ درصد پرسش‌شوندگان مخالف ایده جدایی دین و سیاست بودند؛^{۳۲} در حالی که مطابق پیمایش‌های انجام‌شده در سال‌های

۳۰. رفیعی بهابادی، «شاخص‌های دین‌داری جامعه ایران به کدام سمت و سو می‌رود؟».

۳۱. احمد کوهی، مجتبی امیری، و محمد مهدی ذوالفقارزاده، «برآوردی از پیامدهای روند دین‌داری در آینده تبلیغ دین»، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۴۵ (۱۳۹۸): ۲۳۵.

۳۲. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم (تهران: دفتر انتشارات طرح‌های ملی، ۱۳۸۲)، ۱۶۸.

۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ این عدد به ترتیب به ۳۶ درصد^{۳۳} و ۲۹.۹ درصد^{۳۴} کاهش یافته است.

در موضوع آرمان‌های سیاسی مانند «حمایت از مستضعفان جهان»، «آزادی قدس»، «مبارزه با آمریکا» و ... نیز نتایج برآمده از داده‌های آماری نشان از گسست میان ارزش‌های ایدئولوژیک (دین سیاسی) و ذهنیت اجتماعی دارد. اگرچه مبتنی بر تعداد محدودی سؤال کلی نمی‌توان قضاوت قطعی در مورد این امر کرد اما اقلاً از حیث هشدار این امر قابل توجه است؛ مطابق پیمایش صورت‌گرفته در سال ۱۳۸۰، ۷۶.۴ درصد از جوانان با گزاره «دشمنی آمریکا با ایران همچنان پابرجاست و در سال‌های اخیر تغییر نکرده است» موافق بودند، هم‌چنین ۶۴ درصد از جوانان ضرر برقراری رابطه با آمریکا را بیشتر از نفع آن دانسته و باینکه ۸۷.۳ درصد از جوانان مسئله فلسطین را مسئله همه مسلمانان (نه فقط اعراب) دانسته و ۸۴.۸ درصد قائل بودند که جمهوری اسلامی باید از فلسطین حمایت کند؛ اما درعین حال ۴۲ درصد اعلام کردند که مشکل فلسطین از طریق مذاکره قابل حل است.^{۳۵} این در حالی است که مطابق پیمایش سال ۱۳۹۴، موافقین ارزش‌هایی مانند «حمایت از مستضعفین جهان» ۶۴ درصد، «آزادی قدس» ۶۳ درصد و «مبارزه با آمریکا» ۴۷ درصد هستند که البته در بازه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال درصد موافقت کمتر می‌شود.^{۳۶}

در موضوع ارزشمندی و تمایل اجتماعی به پدیده حجاب نیز شاهد همین سیر کاهشی هستیم. نتایج به‌دست‌آمده در سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد ۸۶.۲ درصد پاسخگویان عدم رعایت حجاب را عیب می‌دانستند؛ لذا حجاب هنجاری قوی در جامعه به شمار می‌رفت؛ باین حال عدم رعایت حجاب در سال ۱۳۷۱ کمتر عیب تلقی شده و تنها ۴۱.۵ درصد جامعه آن را عیب می‌دانستند؛ از حیث ارزشمندی حجاب نیز ۸۱.۸ درصد مشارکت‌کنندگان در سال ۱۳۶۵ قائل بودند مردم به فرد باحجاب احترام بیشتری می‌گذارند، درحالی‌که این رقم در سال ۱۳۷۱ با کاهش ۳۶.۸ درصدی روبه‌رو است.^{۳۷} هم‌چنین در نظرسنجی سال ۱۳۸۰، ۵۸ درصد از

۳۳. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، موج سوم (تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵)، ۲۴۸.

۳۴. شورای اجتماعی کشور، *وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران* (تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵)، ۳۶.

۳۵. سازمان ملی جوانان، *وضعیت و نگرش جوانان ایرانی*، ۹۵.

۳۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، موج سوم، ۴۳۹.

۳۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، *عوامل مؤثر بر اجرایی شدن سیاست‌های حجاب و راهکارهای پیشرو* (تهران: معاونت پژوهش‌های اجتماعی-فرهنگی، دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۷)، ۶.

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۵۹

جوانان قائل هستند که «جوانان باید در انتخاب نوع پوشش آزادتر باشند».^{۳۸} تغییر و تحول مهمی که در دیدگاه اجتماعی به مسئله حجاب روی داده است، تلقی آن به مثابه امر عرفی (نه شرعی) است؛ بر این اساس به طور نمونه اگرچه در نظرسنجی انجام شده در سال ۱۳۸۹، ۴۸.۷ درصد مخالف با گزاره «قلب پاک مهم است نه رعایت حجاب» هستند، اما جمع آماری افراد بینابین و موافق گزاره مذکور، ۵۰.۳ درصد را تشکیل می‌دهد که نشان از رواج نوعی تلقی عرفی (نه فقهی و شرعی) از امر حجاب دارد که جایگاه حجاب در ذهن افراد چیزی بیش از امر عرفی نیست. با لحاظ این نکته، ۵۴.۷ درصد افراد مقوله عفاف را جدای از پوشش می‌دانند.^{۳۹} این مسئله ربط مستقیمی با جایگاه فقه در اذهان عمومی پیدا می‌کند و نشان از نوعی تمایل بر عرفی‌نگری در مسائلی دارد که محل بحث و تضارب آرا فقهی است. در پژوهشی رویکرد افراد نسبت به گویه «حجاب شکل ثابتی ندارد و مقدار آن را عرف تعیین می‌کند» ۳۲.۱ درصد موافق، ۱۱.۴ درصد بینابین و ۵۶ درصد مخالف بودند که این موضوع نشان می‌دهد حداقل نیمی از مردم به عرفی بودن حدود حجاب باور دارند.^{۴۰} رواج تساهل دینی و عدم پافشاری بر اجرای دستورات و قوانین دینی وجه دیگر عرف‌گرایی در مسائل است؛ در پیمایش صورت گرفته در سال ۱۳۹۴ سؤال‌شوندگان با اینکه در مورد مسائلی همچون «بدحجابی خانم‌ها»، «معاشرت و دوستی غیرشرعی دختر و پسر»، «تماشای موسیقی همراه با رقص» و «برگزاری مهمانی و جشن‌های مختلط» تقریباً به طور قطع اعلام مخالفت کرده‌اند، به طور میانگین بالای ۶۰ درصد از آنان اعلام کرده‌اند که در این راستا اقدامی (تذکر، برخورد یا اطلاع به مراجع ذیصلاح) صورت نمی‌دهند.^{۴۱}

۲-۴- علل و عوامل

علل، عوامل و نیروهایی که منجر به ایجاد این روند شده و بر سرعت آن می‌افزاید عبارت‌اند از:

۱-۲-۴- بروز ناکارآمدی‌ها در دولت دینی و نهاد روحانیت

ارزیابی میزان موفقیت یا عدم موفقیت دولت در جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، آموزشی و مهم‌تر از همه اقتصادی ارتباط وثیق و مستقیمی با گرایش یا عدم گرایش عمومی به ایده‌ها و هنجارهای رسمی ساختار حاکم دارد؛ بر این اساس یکی از مهم‌ترین علل

۳۸. سازمان ملی جوانان، وضعیت و نگرش جوانان ایرانی، ۹۵.

۳۹. معاونت مطالعات و تحقیقات، وضعیت و نگرش جوانان ایرانی، جلد ۳ (تهران: سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۹)، ۸۸-۹۰.

۴۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، عوامل مؤثر بر اجرایی شدن سیاست‌های حجاب و راهکارهای پیشرو، ۶.

۴۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم، ۲۵۹.

شکاف یا عدم شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و اجتماعی در جامعه ایرانی مسئله کارآمدی و ایجاد رضایت اجتماعی با محوریت اقتصاد از جانب دولت است؛ بررسی این مسئله نشان می‌دهد که موضوع رضایت اجتماعی از دولت در عرصه‌های گوناگون روندی رو به افول داشته است؛ به طوری که مطابق پیمایش صورت گرفته در سال ۱۳۸۳ بیشتر پاسخگویان (۴۳.۳٪) وضعیت اقتصادی کشور را نامطلوب دانسته و تنها یک چهارم از پرسش‌شوندگان (۲۵.۵٪) وضعیت را مطلوب دانسته و مابقی در حد متوسط (۳۰.۱٪) ارزیابی کرده‌اند؛^{۴۲} این در حالی است که این عدد نارضایتی در سال ۱۳۹۴ به (۵۷٪) افزایش یافته و درصد رضایت از وضعیت اقتصادی به (۶.۵٪) رسیده است و (۳۵٪) دیدگاهی میانه ارائه کرده‌اند. بحران اقتصادی پنج سال گذشته نیز قطعاً بر عدد نارضایتی افزوده است.^{۴۳} وضعیت عدم رضایت و برآورده نشدن انتظارات و مطالبات اجتماعی، بر سایر حوزه‌های زندگی نیز سایه افکنده است. تأثیر این نارضایتی خودبه‌خود به حوزه دین و ارزش‌های دینی نیز سرایت کرده و از آنجاکه در تلقی مردم دین و نهادهای دینی ارتباط وثیقی با دولت و نظام اسلامی دارند، به همان اندازه که سرمایه اجتماعی و حس اعتماد به حاکمیت کاهش می‌یابد، میزان پایبندی به ارزش‌های منبعث از دین نیز کاهش می‌یابد؛ زیرا دولت با مصادره ارزش‌های دینی و توسعه آن به جمیع ساحت‌های اجتماعی، نوعی انتظار حداکثری از توانایی دین در مدیریت جامعه ایجاد کرده است که بروز ناکارآمدی‌های اجرایی، نوع دیدگاه عموم به اصل دین را نیز دچار چالش کرده است. از طرف دیگر عدم موفقیت نهاد روحانیت در مواجهه فعالانه در قبال هجمه‌ها، تأخر روشی و بسندگی به فنون سنتی، عدم به‌روزرسانی آموزشی، تأخر فقه از جامعه و اتخاذ رویکرد انفعالی، طرح مباحث فقهی کهنه، ناتوانی در پاسخگویی به نیازها و مطالبات عصری، عدم کنشگری در عرصه‌های گوناگون، کم‌توانی در گفتمان‌سازی، انشعابات درونی، دوری از رسالت‌های اصیل دینی، دوری از چالش‌های و نیازهای جامعه، عملکرد معیوب در تبلیغ، غفلت از رویکرد قرآن محور، اولویت‌های پژوهشی غیرکاربردی در حوزه دین، نبود برنامه و طرح جامع دینی ... عامل دیگری در تقویت و تشدید ایده ناکارآمدی دین در عرصه مدیریت اجتماع است.^{۴۴}

۴۲. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی، پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان ایران (تهران: سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴)، ۱۲۹.

۴۳. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم، ۱۴۷.

۴۴. یاور عبوضی و محمدتقی دشتی، «بررسی چرایی تنوع‌یابی دین‌داری در جامعه ایرانی»، دوفصلنامه مطالعات فرهنگی/ اجتماعی حوزه، شماره ۱۰ (۱۴۰۰): ۳۷-۳۸.

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۶۱

۲-۴-۲- تغییر نگرش در ایده مشروعیت سیاسی؛ ظهور مشروعیت مبتنی بر کارآمدی

فارغ از مباحث نظری و مبنایی در باب اینکه مشروعیت در نظام سیاسی به نوع نگرش مردم و میزان رضایت شهروندان از حکومت بستگی دارد^{۴۵} یا اینکه ابتدائاً کارآمدی یک نظام عامل پیدایش مشروعیت اولیه آن باشد و تأثیرگذاری کارآمدی بر مشروعیت، به خاستگاه مشروعیت حکومت‌ها بستگی دارد؛^{۴۶} در هر صورت این امر مسلم است که رابطه قوام‌بخش متقابلی بین مشروعیت و کارآمدی در یک نظام سیاسی وجود دارد و کارآمدی لازمه بقا حکومت‌ها بر شمرده می‌شود و برخلاف نظریه‌های سنتی که توجیه تداوم حکومت و پادشاهی بر اموری مانند سنت، ماورا و کاریزما استوار بود، امروزه حکومت در قبال مردمان مسئول شناخته شده و وظیفه تأمین آنان را دارد و در صورت کارآمدی نظام سیاسی است که بخشی از معضلات مربوط به ثبات سیاسی، نظم و امنیت اجتماعی، اتحاد و همبستگی ملی و ... حل می‌شود.^{۴۷}

ترجیحات و انتظارات مسئله‌ای جامعه ایرانی و مشکلات اجتماعی مردم به‌وضوح دلالت بر این دارد که اکنون از دید مردم مسائل مرتبط با معیشت بر بسیاری دیگر از دغدغه‌های فکری، دینی، سیاسی، فرهنگی، محیط‌زیستی، رسانه‌ای، امنیتی ... غلبه دارد و مسائلی مانند گرانی و تورم، بیکاری و اشتغال، فقر و کمبود امکانات و مسائل و مشکلات اقتصادی در صدر مطالبات اجتماعی قرار دارند، به‌طوری‌که مقایسه آمار دو دهه اخیر نشان می‌دهد نه تنها از آن کاسته نشده بلکه بر شدت و میزان آن افزوده شده است؛ مطابق پیمایش صورت‌گرفته در سال ۱۳۸۲، مقابله با گرانی و تورم (۳۵.۱٪)، حفظ نظم و قانون در کشور (۲۹.۵٪)، حفظ ارزش‌های دینی (۲۱.۶٪)، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی (۸.۲٪) و آزادی بیان و مطبوعات (۵.۶٪) بیشترین اهمیت را در دید مردم داشتند.^{۴۸} در پیمایش صورت‌گرفته در سال ۱۳۹۴ نیز بیکاری و مسائل شغلی (۴۲.۶٪)، گرانی و تورم (۱۴.۳٪)، فقر و کمبود امکانات (۱۲.۴٪)، مسائل و مشکلات اقتصادی (۹.۴٪) و بی‌عدالتی و تبعیض (۲.۷٪) مهم‌ترین مشکلات کشور از دید مردم معرفی شدند،^{۴۹}

۴۵. قربانعلی قربانزاده سوار و هاشم ناطقی، «جنگ نرم غرب و مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات/انقلاب/اسلامی، شماره ۳۲ (۱۳۹۱): ۱۴۹.

۴۶. محمد شفیعی فر و مصطفی قربانی، «تعاملات کارآمدی و مشروعیت نظام‌های سیاسی»، فصلنامه مطالعات/انقلاب/اسلامی، شماره ۴۷ (۱۳۹۵): ۱۸۳.

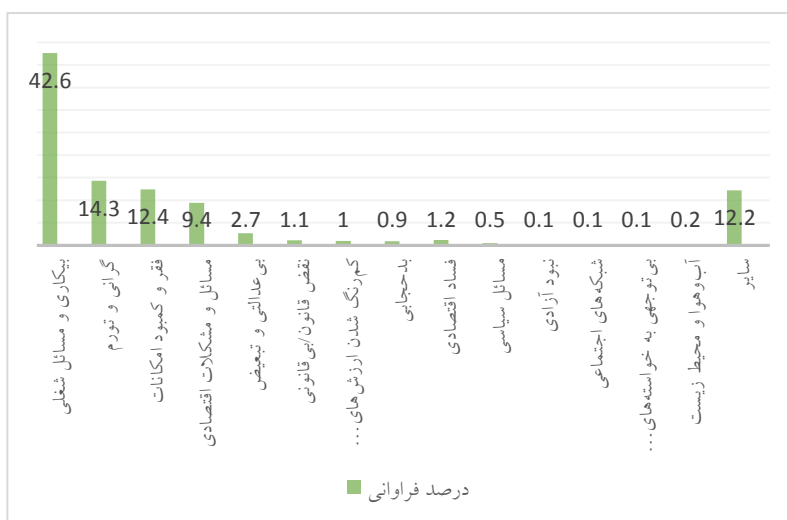
۴۷. عبدالعلی قوام، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها (تهران: سمت، ۱۳۹۰)، ۱۵۳.

۴۸. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم، ۱۷۵.

۴۹. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم، ۵۸۵.

به طوری که در نظرسنجی دیگری در همان سال تقریباً عین همین موضوعات به عنوان مهم‌ترین مسائل و معضلات کشور تکرار شده‌اند؛^{۵۰} در حالی که مسائلی مانند به خطر افتادن ارزش‌های دینی، مسائل سیاسی، نبود آزادی، شبکه‌های اجتماعی ... سهم ناچیزی از دغدغه‌ها و مطالبات مردمی را به خود اختصاص داده‌اند.^{۵۱} عدم کارآمدی در حل معضلات و مشکلات اقتصادی نه تنها سایر مطالبات متعالی، ارزشی و فرهنگی جامعه را به حاشیه می‌راند، بلکه به مرور معیارهای سنجش حکمرانی مطلوب را نیز دچار تحول خواهد کرد؛ بر این اساس حکومت و سیاست مطلوب، حکومتی کارآمد در حوزه اقتصاد است که صرفاً بر اساس شاخص‌هایی همچون اشتغال، نرخ تورم، درآمد سرانه، تأمین و بهبود امکانات و ثبات اقتصادی ارزیابی می‌شود و معیارهایی همچون دین و ایدئولوژی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، رعایت حقوق افراد و ... توان تولید مشروعیت را از دست خواهند داد؛ بنابراین فلسفه و ماهیت حکومتی دینی که یکی از اهداف آن برقراری و اجرای حدود الهی است، در صورت ناکارآمدی، نزد اذهان با چالش و بحران مواجه خواهد شد.

نمودار (۳) - مهم‌ترین مسائل جامعه (پیمایش ملی ۱۳۹۵)



۵۰. شورای اجتماعی کشور، وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران (تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۶)، ۶۰.

۵۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم، ۵۸۵.

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۶۳

پیمایش انجام شده در سال ۱۳۹۵ دلالت بر این دارد که علی‌رغم آمار بالای اعتقادات و تقیدات دینی جامعه، در سال‌های اخیر شاهد شکل‌گیری این‌گونه در ذهن جامعه ایرانی هستیم که مبنایی برای تعامل دین و سیاست وجود ندارد یا حداقل بی‌تفاوتی به آن وجود دارد که نتیجه هر دو گزاره عدم اعتقاد به حکومت مبتنی بر دین صرفاً به دلیل متکی بودن بر مبنای و ارزش‌های دینی است؛ بنابراین این دیدگاه دستاویز دیگری غیر از ارزش‌های دینی را برای التزام به حکومت و مقبولیت آن مدنظر قرار می‌دهد؛ همان‌طوری که گذشت مطابق داده‌های آماری جامعه ایرانی دارای سطح بسیار بالایی از دین‌داری در حوزه‌های متعدد دینی اعم از اعتقادات، مناسک، رفتار و اخلاقیات دینی است باین‌حال در سال ۱۳۹۶ تنها (۲۹.۹٪) جامعه آماری مخالف‌گونه «جدایی دین از سیاست» بوده و (۳۷.۸٪) موافق و (۳۱.۸٪) نسبت به آن بی‌تفاوت بودند؛^{۵۲} یعنی اساساً (۶۹٪) افراد جامعه مبنای و مشروعیت حکومت و سیاست را ضرورتاً دین یا لااقل خوانش خاصی از دین نمی‌دانند.

۳-۲-۴- جریان روشنفکری و سیاسی ناهمسو با قرائت رسمی از فقه

یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین علل مؤثر بر روند شکاف بین ارزش‌های فقهی با عرصه سیاست و اجتماع، اندیشه‌های جریان روشنفکری دینی است که در پرتو ایده‌هایی همچون عدم ابتناء رویکرد فقهی حاضر بر عقلانیت و دلیل عقلانی،^{۵۳} عدم اعتبار شرعی و الهی دانش فقه،^{۵۴} ایجاد دوگانگی‌هایی میان فقه و اخلاق، فقه و حقوق (تکلیف‌مداری و حق‌مداری)، فقه و دیانت (عدم ملازمه میان فقه و دیانت؛ در نتیجه جامعه مبتنی بر ارزش‌های فقهی لزوماً جامعه دینی نیست)، فقه و مدرنیته (جامعه حداقلی و جامعه پیشرفته و مدرن)، تقدس‌زدایی از فقه (به‌مثابه یک دانش بشری خطاپذیر)، تعمیم نواقص سنت فقهی بر اصل فقه^{۵۵} رویکرد سلبی نسبت به دانش فقه و گستره حضور آن در متن سیاست اتخاذ کرده و قائل است که فقه علمی دنباله‌رو بوده و جامعه‌ساز، طراح و برنامه‌ریز نمی‌تواند باشد؛ فقه از آنجایی که دانشی اقلی است، تنها اقل احکامی را که برای رفع حوائج لازم است ارائه

۵۲. شورای اجتماعی کشور، وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران، ۴۴.

۵۳. محمد مجتهد شبستری، «چرا از فقه اجتماعی عبور می‌کنم؟» (سایت محمد مجتهد شبستری، ۲۲ آذر ۱۳۹۶).
دسترسی: <http://mohammadmojtahedshabestari.com/>

۵۴. محمد مجتهد شبستری، «عبور از اعتبار شرعی دانش فقه» (سایت محمد مجتهد شبستری، ۲۷ آبان ۱۳۹۹).
دسترسی: <http://mohammadmojtahedshabestari.com/1318-2>

۵۵. عبدالکریم سروش، «فقه در ترازو»، مجله کیان، شماره ۴۶ (۱۳۷۸): ۲۱.

می‌دهد، نه اینکه حداکثر کاری را که برای اداره و تدبیر زندگی لازم است بیاموزد.^{۵۶}

نتیجه رواج و غلبه چنین گفتمانی در فضای نخبگانی کشور شکل‌گیری ایده جدایی فقه از سیاست و اجتماع و کاهش تأثیر و تأثر قلمرو این دو حوزه بر هم شده و کماکان ادامه‌دار نیز است. اقدامات و دیدگاه‌های برخی سیاسیون و جریان‌های سیاسی نیز اذهان جمعی را به این نکته رهنمون می‌کند که دخالت رویکرد و نظارت فقهی در حکومت و سیاست علت اصلی ناکارآمدی‌ها و به‌مثابه مانعی در راستای ترقی، پیشرفت و آبادانی مملکت بوده و باید ضمن تحدید حدود و ثغور آن، گستره ورود قرائت فقهی در سیاست نیز به حداقل برسد. در بخشی از بیانیه مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۶ فعالان اصلاح‌طلب در راستای ارائه راهکارهای برون‌رفت کشور از مشکلات چنین آمده است: «... این وضعیت نتیجه حاکمیت و یا نفوذ قرائتی فقهی از حکومت اسلامی است که شایستگی و حق مردم را در اداره امور خویش انکار می‌کند و برای خواست و رضایت آنان در مشروعیت حکومت نقشی قائل نیست. اگر خواهان حل بنیادین مشکلات و بحران‌های کنونی هستیم باید از قرائت‌های انحصارگرایانه از نظام اسلامی به نفع برداشت‌های مردم‌سالارانه و سازگار با مقتضیات جهان جدید چشم پوشید».^{۵۷}

چنین دیدگاه اصلاحی در نسبت با رویکرد فقهی از همان اوایل انقلاب، اذهان برخی سیاستمداران روحانی ذی‌نفوذ را نیز به خود مشغول کرده بود؛ به طوری که آقای هاشمی در مواجهه با این مسئله، راه‌حل آن را تنها در امام می‌دید؛ «نامه‌ای خدمت امام نوشتم مبنی بر ضرورت حل بعضی از مشکلات که غیر از ایشان، کسی نمی‌تواند آنها را حل کند: اصلاح قانون اساسی، ... ترکیب شورای نگهبان، مدیریت قوه قضائیه، سنت‌های دست‌وپاگیر شرعی و عرفی بی‌اساس ... و افراط‌کاری‌ها به نام دین و انقلاب».^{۵۸} وی معتقد بود شاید یکی از علل ناکارآمدی در نظام اسلامی به مسئله فهم و اجتهاد از اسلام برگردد.^{۵۹} هم‌چنین درباره حدود و ثغور مداخلیت و کارایی اسلام در راهبرد امور و نقش حوزه علمیه در این راستا عقیده داشت: «مراد از کارایی کامل اسلام این نیست که همه فتاوی‌ای موجود و اظهارنظرهایی که در زمان انزوای شیعه از حکومت طرح شده و در میدان عمل تجربه نشده، کارایی کامل

۵۶. عبدالکریم سروش، «فقه در ترازو»، ۲۱.

۵۷. بیانیه جمعی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب خطاب به ملت ایران، «راهکارهای فعالان اصلاح‌طلب برای خروج از مشکلات» (ایران، ۱۶ مرداد ۱۳۹۷). دسترسی: <https://irma.ir/xjqsBc>

۵۸. اکبر هاشمی رفسنجانی، «نقش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در رفع چالش‌های فقهی در جمهوری اسلامی»، خاطرات ۵ فروردین ۱۳۶۶ (اجتهاد، ۲۷ دی ۱۳۹۷). دسترسی:

<http://ijtihadnet.ir/%D9%86%D9%82%D8%B4->

۵۹. اکبر هاشمی رفسنجانی، «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه حکومت/اسلامی، شماره ۱۴ (۱۳۷۸): ۴۰.

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۶۵

دارند؛ زیرا شرایط قرن ۲۱ دارای تفاوت اساسی است. لذا حوزه باید واقعی‌تر و میدانی‌تر تحقیقات خود را انجام دهد.^{۶۰} به همین دلیل وی برای اینکه کشور دچار تزلزل و عقب‌گرد نشود راه‌حل اعتدال را چاره می‌داند. همانطور که پیداست چنین ایده‌ای در بردارنده نوعی تقدم حکومت بر فقه است که با تلقی رایج و سنتی از فقه منافات دارد و از جریان فقه درخواست می‌کند که متناسب با واقعیات زمانه، جامعه و حکومت حرکت کرده و خود را با آن هماهنگ کند.

۳-۲-۴- روند جهانی شدن و مواجهه با دنیای مدرن

شاید بتوان قاطع گفت که مواجهه با مظاهر دنیای مدرن و میل به مطلوبیت آن، اساسی‌ترین مسئله ذهن ایرانی در دوره معاصر است که به دنبال کشف از راز پیشرفت غرب، در پی خروج از وضعیت عقب‌ماندگی خود است.^{۶۱} سرعت مدرنیزاسیون در جامعه ایرانی و در مقابل، رویکردی که برخی از روحانیون از همان ابتدا در مواجهه با این پرسش و مظاهر مدرنیته اتخاذ کردند وجود نوعی ناسازگاری را بین مبانی فقهی و وضعیت جدید القا کرد؛ البته برخی از این مخالفت‌ها بیشتر از اینکه مبنای مذهبی داشته باشد دارای صبغه سیاسی بود؛ مانند آنچه در جریان بستن خزینه‌ها در دوره رضاخان رخ داد که مخالفت با بستن خزینه‌ها ابزاری برای مبارزه سیاسی با حکومت هم تلقی می‌شد و نوعی مقابله با اصرار دولت در حذف روحانیون از صحنه تصمیم‌گیری‌های اجتماعی بود؛^{۶۲} باین حال بعد از انقلاب اسلامی محور اصلی مخالفت با برخی مظاهر دنیای مدرن، مبتنی بر اصول، مبانی و ارزش‌هایی مانند بی‌ریزی جامعه دینی و سالم، جلوگیری از رواج فساد و فحشا، حفظ تعادل و سلامت روانی جامعه، جلوگیری از نفوذ فرهنگ و ارزش‌های غربی، پاسداری از کیان خانواده، ... بود^{۶۳} که پشتوانه‌های فقهی و شرعی نیز چنین ایده و اهدافی را تأیید می‌کرد و با آن همسو بود. استعاره «جاهلیت مدرن» خلاصه دیدگاه مذکور درباره اوضاع کلی تمدن غرب و مدرنیته است. در این نگاه غرب با اتکا بر پیشرفت علمی و ابزاری بریده از معنویت و ایمان قدسی در همان مسیر جاهلیت امت‌های مذموم خداوند گام برداشته و خشونت رفتاری (سلطه، کشتار جمعی،

۶۰. هاشمی رفسنجانی، «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران»، ۴۰.

۶۱. آیت قنبری، «ایران و موج اول مدرنیته»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۲ (۱۳۷۹): ۱۳۰.

۶۲. رسول جعفریان، «از خزینه تا دوش در عرصه فقه و بهداشت» (کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۹۸).
دسترسی:

<https://historylib.com/articles/1854>

۶۳. خلیل‌الله احمدوند، فریده سیدی‌پور، و بریسا نظری، «آثار ماهواره و حکم آن از منظر فقه»، فصلنامه قانون‌یار، شماره ۱۲ (۱۳۹۸): ۵۷۱.

غارت منابع، فقر جوامع) و طغیان شهوت آن را در بر گرفته است. در این میان، انقلاب اسلامی گام در مسیری خلاف جاهلیت برداشته و خواهان عملیاتی کردن پیام بعثت نبوی ﷺ برای زدودن جاهلیت مدرن است.^{۶۴}

در نسبت با فقه، دیدگاه‌ها و فتاوای مربوط به ممنوعیت و حرمت استفاده از برخی مظاهر مدرن در حوزه فناوری‌های رسانه‌ای به‌عنوان یکی از ارکان گذار جوامع به مدرنیته - مانند رادیو، تلویزیون، ویدئو، ماهواره، اینترنت پرسرعت، مکالمه تصویری،^{۶۵} حرمت انجام معاملات در برخی بازارهای مالی نوظهور مانند فارکس، ارز دیجیتال در حوزه اقتصاد،^{۶۶} ارزش‌باوری و اعتقادمندی به اخلاق دینی در حوزه سیاست و نهایتاً نوع رویکرد به مسئله باور در حوزه شخصی و اجتماعی در ظاهر چنین به ذهن متبادر می‌سازد که رویکرد فقهی رویکردی ضد مدرن است؛ برخی نیز مواجهه و تقابل نگرش ارزشی فقهی با مؤلفه‌های دنیای مدرن را ناشی از ناسازگاری ذاتی این دو مقوله با هم می‌دانند، زیرا جهان مدرن ذاتاً سکولار است؛ یعنی با ظهور عقلانیت علمی و تکنولوژیک مدرن، در واقع از جهان، تقدس‌زدایی شده است؛ به این معنا که انسان دیگر به این ساحت توجهی ندارد و اندیشه و زندگی‌اش را با این ساحت پیوند نمی‌دهد.^{۶۷} اما مخالفت با غرب و مظاهر مدرن در حقیقت مخالفت با مظاهر منفی و ضد انسانی آن از قبیل ترویج بی‌بندوباری و گسترش ابتذال فرهنگی غرب، مخالفت با دیانت و ... است؛ «مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط‌آمیز کنند. علمای راستین از بس دروغ و فریب از جهان‌خواران دیده بودند، به هیچ‌چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود؛ لذا گاهی حکم به منع

۶۴. مهدی نادری باب‌اناری، «استعاره جاهلیت نوین و نقد تمدن غرب در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه رهیافت/انقلاب/اسلامی، شماره ۴۷ (۱۳۹۸): ۳.

۶۵. دسترسی به برخی فتاوا در این زمینه:

<https://hadana.ir/?p=24369>

۶۶. دسترسی به برخی فتاوا در این زمینه:

<https://www.islamquest.net/fa/archive/fa7782>

<https://noo.rs/FqE8Q>

۶۷. بیژن عبدالکریمی، «مدرنیته؛ مانع بزرگی برای زیست دینی» (خبرگزاری مهر، ۱۲ دی ۱۳۹۸). دسترسی:

<https://www.mehrnews.com/news/4813679/>

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۶۷

استفاده از آنها را می‌دادند»؛^{۶۸} اما به دلیل وجود برخی انگیزه‌ها یا عدم تمییز و درک این مسئله، چنین ایده‌ای به وجود آمده است که نگرش فقهی ضد ترقی و پیشرفت بوده و در مسیر ارتجاع قرار دارد. اتخاذ رویکرد ارزشی و فقهی پس‌زنده نسبت به مقولاتی مانند اقتصاد مدرن، سیاست مدرن و به‌طور کلی پدیده‌های مدرن اساساً منجر به بن‌بست‌های نظری و عملی در مسئله شده و با توجه به سیطره این گفتمان بر جهان انسانی (به‌ویژه در جوامع درحال توسعه به‌عنوان الگو و وضعیت مطلوب سایر ملل)، چنین دیدگاه‌هایی در نهایت با طرد و انفعال رویکرد فقهی و ظهور سکولاریزاسیون تدریجی در آن جوامع همراه خواهد بود؛ مرور تجربه علمی در زمینه پروژه‌هایی مانند اقتصاد اسلامی، شهرسازی اسلامی، بانکداری اسلامی، سیاست اسلامی، ... به‌وضوح نشان می‌دهد که فارغ از اینکه ایده‌ای روشن بر کلیت این مسائل حاکم نشد؛ از حیث کارآمدی نیز به نتیجه عملی منجر نشده و از شور و شوق این مباحث کاسته شد. دانش فقه نیز به‌طور ویژه در نسبت خود با موضوعات مدرن دچار انفعال گشته و رویکردی به‌جز تصحیح و توجیه صوری این مسائل نوپدید ارائه نداد؛ بنابراین مطلوبیت مدرنیته و روند جهانی شدن یکی از مهم‌ترین موانع و چالش‌ها در ارتباط و تعامل فقه موجود با عرصه سیاست و اجتماع است که عقلانیت فقهی برای بقا خود در این وضعیت باید به تبیین نسبت خود با آن بپردازد.

۳-۴- پیامدها

پیامدهای روند عرفی شدن و بروز شکاف بین آموزه‌ها و ارزش‌های فقهی با عرصه سیاسی و اجتماعی کشور در سه ساحت دین، سیاست و جامعه خود را نشان خواهد داد؛ در حوزه تفکر، رفتار و اخلاق دینی به‌مرور شاهد تضعیف مرجعیت نهاد رسمی دین به‌ویژه حوزه‌های علمیه و نهاد روحانیت خواهیم بود که این امر افزایش و رشد سایر گروه‌های مدعی مرجعیت دین، با رویکردهایی متفاوت از قرائت رسمی دین، مانند عرفان‌های کاذب، معناگرایی، التذاذ معنوی، خودمرجعی، فرقه‌ها و جریانات انحرافی و ... را دربر خواهد داشت، ایده و نظریه دین حداکثری نیز به کناره رفته و محدوده دین تنها به ساحت و قلمرو شخصی افراد تقلیل پیدا خواهد کرد. در حوزه رفتار و اخلاق اجتماعی شاهد رواج تساهل‌گرایی و بی‌توجهی به فرایض و آموزه‌های اجتماعی منبث از احکام دینی مانند امر به معروف و نهی از منکر، ظلم‌ستیزی، پایبندی به آرمان‌های دینی و ... خواهیم بود. برداشت از مقوله گناه و عصیان دچار تحول شده

۶۸. سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام، جلد ۲۱ (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)، ۲۷۷.

و نقش دین در تکوین وجدان اجتماعی تقلیل یافته و به جای ارزش‌های دینی، ارزش‌های انسان‌محور حاکم بر روابط اجتماعی خواهد شد.

اثر مهم این روند بر حوزه سیاست، تقویت ایده جدایی دین و سیاست یا حداقل کاهش قلمرو تأثیر این دو بر هم است. بر این اساس حکمرانی نه بر اساس اولویت‌های فقهی و ارزش‌ها دینی، بلکه مبتنی بر تقنین عرفی و مصلحت‌اندیشی انسانی خواهد بود که در صورت وقوع تراحم اجرایی بین این دو، اولویت با جانب غیرارزشی خواهد بود؛ بنابراین پیامد دوم چنین روندی غلبه رویکرد عرف‌گرایی در مسائل است؛ یعنی تصمیم‌گیری‌ها بر اساس اولویت‌های تخصصی و با دخالت حداقلی دین صورت می‌پذیرد و در مواقع تراحم آشکار آموزه دینی به نفع تصمیمات تخصصی توجیه می‌شود. نتیجه چنین رویکردی چنین است که به‌مرور دین از قالب خود تهی شده و تنها به‌مثابه میراثی فرهنگی و هویتی بدان استناد و اتکا می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

عوامل متعددی در ظهور روند عرفی‌شدن فقه و شکاف و فاصله‌گرفتن سیاست و اجتماع از احکام و آموزه‌های فقهی دخیل هستند؛ اما وضعیت و جهتی که داده‌های آماری نشان می‌دهد، حاکی از این است که مهم‌ترین این عوامل به مبحث کارآمدی در حوزه اقتصاد و مسائلی مانند گرانی و تورم، بیکاری و اشتغال، فقر و کمبود امکانات اقتصادی و رفاهی بازمی‌گردد. سرایت انباشت نارضایتی‌ها و ناکارآمدی‌ها در این حوزه‌ها به حوزه شریعت چنین است که سیاست‌ورزی و سیاست‌گذاری مبتنی بر رویکردهای موجود فقهی در حوزه‌های گوناگون حکومت‌داری، توانایی لازم در زمینه ایجاد وضعیت مطلوب اجتماعی را نخواهد شد.

تأکید بر رویکرد فقهی موجود در امر تقنین، اجرا، سیاست‌گذاری و حکمرانی بر جدایی بیش‌ازپیش فقه از عرصه سیاسی و اجتماعی منجر خواهد شد، کما اینکه برخی شواهد عینی و آماری آن به همراه دلایل آن ارائه گردید. بر این اساس تغییر الگوهای تعامل بین دین و جامعه، رابطه فقه با عرصه سیاسی و اجتماعی را نیز دچار تحول خواهد کرد؛ به‌طوری‌که علاوه بر اینکه رویکردهای سنتی و فرد محور فقهی در پاسخگویی به مسائل و اقناع عمومی با چالش مواجه خواهد شد، مسئله سیاست و حکمرانی را نیز دچار معضل خواهد کرد. تحول در شیوه‌های تبلیغ دین، ارتباط مؤثر و کارآمد نهاد دین، حوزه و روحانیت با عموم مردم و جامعه نخبگانی و حرکت به سمت الگوهای جدیدی از تعامل، تعامل مستمر و مؤثر حوزه و دانشگاه، عدم انحصارگرایی در فهم دین، تعیین نسبت شریعت با حوزه مسائلی مانند توسعه،

روند عرفی‌شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۶۹

عقلانیت، علم، پیشرفت و ترقی و تبیین نقش و میزان تأثیر دین و رویکرد فقهی در این مقولات، تبیین نقش دین در ارتباط با حکومت به‌عنوان مدعی مطالبات ارزشی و اجتماعی، کارآمدی و موفقیت دولت دینی در عرصه اقتصاد، فرهنگ و سیاست و ... از جمله مواردی است که می‌تواند مانع از گسترش روند شکاف و فاصله‌گرفتن سیاست و اجتماع از احکام و آموزه‌های فقهی گردد.

سیاهه منابع

الف - منابع فارسی:

- احمدوند، خلیل‌الله، فریده سیدی‌پور، و پریسا نظری. «آثار ماهواره و حکم آن از منظر فقه»، فصلنامه قانون‌یار ۳، شماره ۱۲ (زمستان ۱۳۹۸): ۵۷۱-۶۰۳.
- احمدیان، مهدی، و محمد مهدی ذوالفقارزاده. درآمدی بر آینده‌پژوهی قرآنی؛ باورهای بنیادین، الگوهای رفتاری و رهنمودهای پژوهشی. تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۸.
- پدرام، عبدالرحیم، و مهدی احمدیان. آموزه‌ها و آموزه‌های آینده‌پژوهی. تهران: مؤسسه افق آینده‌پژوهی، ۱۳۹۴.
- سید حامد حسینیان، مسعود کیانپور، و علی ربانی خوراسگانی. «توصیف کیفی فراگرد ارتباط مردم و روحانیت در تبلیغ دین؛ نگرشی آسیب‌شناسانه از منظر روحانیون مبلغ نخبه»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران ۸، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۸): ۵۷-۸۲.
- خانی، حسین. «نوسلفی‌گری و روند پژوهی تهدیدهای امنیت منطقه‌ای ایران»، فصلنامه سیاست ۴۸، شماره ۴ (۱۳۹۷): ۹۲۷-۹۴۴.
- سازمان ملی جوانان. پیمایش ملی وضعیت و نگرش جوانان ایرانی. تهران: نشر روناس، ۱۳۸۱.
- سازمان ملی جوانان. پیمایش ملی وضعیت و نگرش جوانان ایرانی. تهران: نسل سوم، ۱۳۸۰.
- رضا سلیمانی. «روند پژوهی راهبرد جنگ روانی و تهدید نظامی اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای ایران (از افشای برنامه تا پایان مذاکرات برجام)»، فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل ۵، شماره ۱۰ (۱۴۰۰): ۹۹-۱۲۱.
- عبدالکریم، سروش. «فقه در ترازو»، مجله کیان، شماره ۴۶ (۱۳۷۸): ۱۴-۲۱.
- شجاعی‌زند، علی‌رضا. «کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت در ایران» الگویی برای بررسی»، شیعه‌شناسی ۱۰، شماره ۳۸ (تابستان ۱۳۹۱): ۷۵-۱۰۶.
- شیخ‌الاسلامی، شریف، سید جواد فرهاد نظری‌زاده، و احمد گائینی. «تحلیل روندها و پیش‌بینی‌های مؤثر بر شبکه‌های اجتماعی آینده»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین ۲۷، شماره ۲۷ (۱۴۰۰): ۳۵۹-۳۹۹.
- شفیعی‌فر، محمد، و مصطفی قربانی. «تعاملات کارآمدی و مشروعیت نظام‌های سیاسی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۷ (۱۳۹۵): ۱۸۳-۲۰۰.
- شورای اجتماعی کشور. سنجش سرمایه اجتماعی کشور. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۷.
- شورای اجتماعی کشور. وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران. تهران: پژوهشگاه

- روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۷۱
- فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۶.
- شورای اجتماعی کشور. *سنجش سرمایه اجتماعی کشور*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴.
- طالبان، محمدرضا، و مهدی رفیعی بهابادی. «تحولات دین‌داری بر اساس تفاوت‌های نسلی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)»، *مسائل اجتماعی ایران* ۱، شماره ۲ (زمستان ۱۳۸۹): ۸۵-۱۱۴.
- عباسی، علی اصغر، حسام ساکن، و محسن بهرامی. «تحلیل تأثیر روند در آینده‌پژوهی»، سومین همایش ملی آینده‌پژوهی تهران (بهمن ۱۳۹۳).
- عیوضی، یاور، و محمدتقی دشتی. «بررسی چرایی تنوع‌یابی دین‌داری در جامعه ایرانی»، *دوفصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه*، شماره ۱۰ (پاییز و زمستان ۱۴۰۰): ۳۷-۳۸.
- فتحی، محمد، و کاظم کوهی اصفهانی. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷.
- قربان‌زاده سوار، قربانعلی، و هاشم ناطقی. «جنگ نرم غرب و مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی* ۱۰، شماره ۳۲ (۱۳۹۱): ۱۴۷-۱۶۶.
- قنبری، آیت. «ایران و موج اول مدرنیته»، *فصلنامه علوم سیاسی* ۳، شماره ۱۲ (زمستان ۱۳۷۹): ۱۱۵-۱۴۳.
- قوام، عبدالعلی. *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*. تهران: سمت، ۱۳۹۰.
- کوهی، احمد، مجتبی امیری، و محمد مهدی ذوالفقارزاده. «برآوردی از پیامدهای روندهای دین‌داری در آینده تبلیغ دین»، *فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات* ۲۰، شماره ۴۵ (۱۳۹۸): ۲۳۵-۲۶۲.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. *عوامل مؤثر بر اجرایی شدن سیاست‌های حجاب و راهکارهای پیش‌رو*. تهران: معاونت پژوهش‌های اجتماعی-فرهنگی، دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۷.
- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی. *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان ایران*. تهران: سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴.
- معاونت مطالعات و تحقیقات. *وضعیت و نگرش جوانان ایران*. جلد ۳. تهران: سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۹.
- میرحسینی، فرشته، محمدرحیم عیوضی، و عباس کشاورزشکری. «روندپژوهی خطرات ژئوپلیتیکی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۱۴۰۴»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی* ۱۷، شماره ۶۳ (۱۳۹۹): ۷-۳۲.
- نادری باب‌اناری، مهدی. «استعاره جاهلیت نوین و نقد تمدن غرب در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، *فصلنامه رهیافت/انقلاب اسلامی* ۱۳، شماره ۴۷ (۱۳۹۸): ۳-۲۲.

۱۷۲ دین و دنیای معاصر / سال ۱۰ / شماره ۱ / پیاپی ۱۸ / صص ۱۲۷-۱۴۶

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. موج سوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. موج دوم. تهران: دفتر انتشارات طرح‌های ملی، ۱۳۸۲.
هاشمی رفسنجانی، اکبر. «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه حکومت اسلامی، ۴، شماره ۱۴ (زمستان ۱۳۷۸): ۲۵-۷۳.

ب- وبسایت‌ها:

احمدی، قاسم. «فراز و فرود پایگاه مردمی روحانیت در گفت‌وگو با دکتر کریم خان‌محمدی»، مباحثات (۱۳۹۶). تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱. <https://mobahehat.ir/15524.1401>
بیانیه جمعی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب خطاب به ملت ایران. «راهکارهای فعالان اصلاح‌طلب برای خروج از مشکلات»، ایرنا، (۱۳۹۷)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱.

<https://irna.ir/xjqsBc>

اعراف، علیرضا. «موانع رویاروی تبلیغ دینی در عصر جدید از نگاه آیت‌الله اعرافی»، خبر آنلاین (۱۳۹۵)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱. <https://www.khabaronline.ir/news/584046/1401>
جعفریان، رسول. «از خزینه تا دوش در عرصه فقه و بهداشت»، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران (۱۳۹۸)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱. <https://historylib.com/articles/1854.1401>
خبرگزاری تابناک. «نمودار و جدول تعداد روحانیون در ۹ دوره مجلس» (۱۳۹۱)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱. tabnak.ir/0011AQ

رفیعی بهابادی، مهدی. «شاخص‌های دین‌داری جامعه ایران به کدام سمت‌وسو می‌رود؟» ایسپا (۱۳۹۹)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱. <http://www.ispa.ir/Default/Details/fa/2241/1401>

رفیعی بهابادی، مهدی. «اعتقاد بیش از ۹۰ درصد مردم ایران به توحید و معاد / تفاوت در میزان دین‌داری نسل‌ها»، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱. <http://www.ispa.ir/Default/Details/fa/2096/>

شیرازی زنجانی، سید موسی. «ورود طلاب به فعالیت‌های سیاسی یکی از عوامل مهم کم‌شدن محبوبیت آنان است»، سایت انتخاب (۱۳۹۷)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱.

<https://www.entekhab.ir/fa/news/445584/>

حیدری‌پور، محمد. «آیا محبوبیت روحانیون در جامعه کاهش یافته؟!»، شفقنا (۱۳۹۶)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱. <https://fa.shafaqna.com/?p=496991.1401>

عبدالکریمی، بیژن. «مدرنیت؛ مانع بزرگی برای زیست دینی، خبرگزاری مهر»، (۱۳۹۸)، تاریخ

روند عرفی شدن و بروز شکاف بین ارزش‌های فقهی و عرصه سیاسی و ... / مجید محمدلو ۱۷۳

دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱ / <https://www.mehrnews.com/news/4813679/>

مجتهد شبستری، محمد. «عبور از اعتبار شرعی دانش فقه»، سایت محمد مجتهد شبستری (۱۳۹۹)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱.

[/http://mohammadmojtahedshabestari.com/1318-2](http://mohammadmojtahedshabestari.com/1318-2)

مجتهد شبستری، محمد. «چرا از فقه اجتماعی عبور می‌کنم؟»، سایت محمد مجتهد شبستری

(۱۳۹۶)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱ / <http://mohammadmojtahedshabestari.com/>

محمدی، اکبر. «پافشاری روحانیت بر مناصب قدرت، باعث کاهش محبوبیت این نهاد شده است»، سایت مباحثات (۱۳۹۶)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱.

<https://mobahebat.ir/15476>

واعظی‌نژاد، محمد. «آینده‌پژوهی و روش‌های آن»، سایت پژوهشگاه باقرالعلوم (۱۳۹۶)، تاریخ

دسترسی: ۳ اسفند ۱۴۰۱ / <http://pajoohi.ir/%D8%A2>

هاشمی رفسنجانی، اکبر. «نقش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در رفع چالش‌های فقهی در جمهوری اسلامی [خاطرات ۵ فروردین ۱۳۶۶]»، سایت اجتهاد (۱۳۹۷)، تاریخ دسترسی: ۳ اسفند

<http://ijtihadnet.ir/%D9%86%D9%82%D8%B4-> ۱۴۰۱

ج - منابع لاتین:

Inayatullah, Sohail. *Questioning the Future*, Tavian: Tamkang University, 2007.